

From Moral Disintegration to Family Re-creation: A Jurisprudential–Ethical Study on Reviving the Principle of Family Stability^{*}

Nadali Zekavatmand¹  Siamak Baharlooee²  Hossein-Ali Amini³ 

1- PhD Candidate, Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law, Islamic Azad University, Najafabad Branch, (Corresponding Author)

zakavatmand@iau.ac.ir

2- Supervisor, Faculty Member, Islamic Azad University, Khorasgan Branch,
Siamak.baharluee@ase.ui.ac.ir

3-Advisor, Faculty Member, Islamic Azad University, Najafabad Branch,
hossinaliamini@iau.ir



Abstract

The institution of the family, in facing the moral challenges of the modern world—including extreme individualism, moral relativism, the weakening of gender roles, and the crisis of family commitment—has encountered structural threats. This study, aiming to revive the principle of family stability within the Islamic jurisprudential–legal framework, seeks to introduce this concept not merely as an ethical recommendation but as a strategic principle of Islamic applied ethics, one capable of being translated into social policymaking. Employing a descriptive–analytical method and drawing upon authoritative

***Cite this article:** Zekavatmand, N; Baharlooee, S; Amini, H.A (2026). From Moral Disintegration to Family Re-creation: A Jurisprudential–Ethical Study on Reviving the Principle of Family Stability, *Journal in Applied Ethics Studies*, 4(82), 199-230
<https://doi.org/1022081/jf.2025.71593.2036>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025/05/20  **Revised:** 2025/08/23  **Accepted:** 2025/09/02  **Published online:** 2026/02/14

jurisprudential, legal, and exegetical sources, the research first defines the jurisprudential nature of the principle of family stability and then analyzes its functions in addressing contemporary moral issues such as declining responsibility and rising divorce rates. The findings indicate that this principle, grounded in concepts such as affection (*mawadda*), mercy (*rahma*), and fidelity to covenant (*wafā' bi-l-'ahd*), can contribute to the reconstruction of the family institution. Through a comparative analysis of international documents and the views of contemporary Islamic thinkers, the study proposes a three-layered model—jurisprudential, legal, and cultural—for institutionalizing this principle within the legal system of the Islamic Republic of Iran. The innovation of this research lies in its multidimensional theoretical elucidation of the principle of stability and in offering practical strategies for ethical social policymaking.

Keywords

family stability, Islamic applied ethics, family jurisprudence, modern moral issues, institutionalization of ethics, cultural policies.





من انهيار الأخلاق إلى إعادة بناء الأسرة: دراسة فقهية - أخلاقية في سياق إحياء مبدأ المتانة*

نادعلی ذکاوتمند^۱ سیامک بهارلویی^۲ حسینعلی امینی^۳

۱- طالب الدكتوراه في قسم الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة نجف آباد (الكاتب المسؤول)

zakavatmand@iau.ac.ir

۲- عضو الهيئة التدريسية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة خوراسكان

Siamak.baharluee@ase.ui.ac.ir

۳- عضو الهيئة التدريسية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة نجف آباد

hossinaliamini@iau.ir

الملخص

لطالما واجهت مؤسسة الأسرة سلسلة تحديات وتهديدات بنوية في سياق القضايا الأخلاقية التي يشهدها العالم الحديث، بما في ذلك النزعة الفردية المتطرفة، والنسبية القيمية، وتضاؤل الأدوار الجندرية، وتفاقم الالتزام الأسري. انطلاقاً من ذلك، فتهدف هذه الورقة البحثية إلى إحياء مبدأ متانة الأسرة في النظام الفقهي - القانوني الإسلامي، وتتوخى استجلاء هذا المفهوم

***الاستناد إلى هذه المقالة:** ذكاوتمند، نادعلی؛ بهارلویی، سیامک؛ امینی، حسینعلی (۲۰۲۶). من انهيار الأخلاق إلى إعادة بناء

الأسرة: دراسة فقهية - أخلاقية في سياق إحياء مبدأ المتانة. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۴ (۸۲)، صص ۱۹۹ - ۲۳۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71593.2036>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۵/۲۰ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۸/۲۳ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۹/۰۲ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۲/۱۴



ليس فقط كوصية أخلاقية، بل كأصل إستراتيجي في ميدان الأخلاق التطبيقية الإسلامية، يمتلك القدرة على أن يلعب دورا بارزا في صنع السياسات الاجتماعية. تروم هذه الدراسة، متتبعة المنهج الوصفي - التحليلي، وبالاتماد على المصادر الفقهية والقانونية والتفسيرية الموثوق بها، أن تسلط الضوء على الماهية الفقهية لمبدأ متانة الأسرة، وتتناول بالتحليل وظائفه في سياق مواجهة القضايا المعاصرة، بما في ذلك تراجع المسؤولية، وزيادة معدلات الطلاق. أظهرت النتائج أن هذا المبدأ بالاعتماد على مفاهيم جوهرية، مثل: المودة، والرحمة، والولاء والوفاء بالعهد، يمكن أن يسهم إسهاما بالغيا في إعادة بناء مؤسسة الأسرة. كما قدمت الدراسة، من خلال التحليل المقارن للوثائق الدولية وآراء المفكرين الإسلاميين المعاصرين، نموذجا ثلاثي الطبقات: فقهيا، وقانونيا، وثقافيا، من أجل ترسيخ هذا المبدأ في النظام القانوني للجمهورية الإسلامية الإيرانية. تمكن جدة الدراسة في التبيين النظري المتعدد الأبعاد لمبدأ المتانة وتقديم حلول عملية لصياغة السياسات الاجتماعية.

الكلمات المفتاحية

متانة الأسرة، الأخلاق التطبيقية الإسلامية، فقه الأسرة، القضايا الأخلاقية الحديثة، ترسيخ الأخلاق، السياسات الثقافية.





از فروپاشی اخلاق تا بازآفرینی خانواده؛ مطالعه‌ای فقهی اخلاقی در احیای اصل استحکام*

نادعلی ذکاوتمند^۱ سیامک بهارلویی^۲ حسینعلی امینی^۳

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول).

zakavatmand@iau.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، خوراسگان، ایران.

Siamak.baharluee@ase.ui.ac.ir

۳- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.

hossinaliamini@iau.ir

چکیده

نهاد خانواده در مواجهه با مسائل اخلاقی جهان مدرن، شامل فردگرایی افراطی، نسبی گرایی ارزشی، تضعیف نقش‌های جنسیتی و بحران تعهد خانوادگی، با تهدیدات ساختاری مواجه شده است. این پژوهش با هدف احیای اصل استحکام خانواده در نظام فقهی حقوقی اسلام، درصدد است این مفهوم را نه تنها به عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به مثابه اصلی راهبردی در اخلاق کاربردی اسلامی را که قابلیت تبدیل شدن به

* **استناد به این مقاله:** ذکاوتمند، نادعلی؛ بهارلویی، سیامک؛ امینی، حسینعلی (۱۴۰۴). از فروپاشی اخلاق تا بازآفرینی خانواده؛ مطالعه‌ای فقهی اخلاقی در احیای اصل استحکام. مطالعات اخلاق کاربردی، ۴ (۸۲)، صص ۱۸۹-۲۳۰.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71593.2036>

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵



سیاست‌گذاری اجتماعی دارد، معرفی کند. این مطالعه با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع معتبر فقهی، حقوقی و تفسیری، ابتدا چیستی فقهی اصل استحکام خانواده را تبیین و سپس، کارکردهای آن را در مواجهه با مسائل مدرن، از جمله کاهش مسئولیت‌پذیری و افزایش طلاق، تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این اصل با تکیه بر مفاهیمی چون مودت، رحمت و وفای به عهد می‌تواند به بازسازی نهاد خانواده کمک کند. این پژوهش با تحلیل تطبیقی اسناد بین‌المللی و آرای متفکران اسلامی معاصر، الگویی سه‌لایه (فقهی، حقوقی، فرهنگی) برای نهادینه‌سازی این اصل در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است. نوآوری پژوهش در تبیین نظری چندساحتی اصل استحکام و ارائه راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاری اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها

استحکام خانواده، اخلاق کاربردی اسلامی، فقه خانواده، مسائل اخلاق مدرن، نهادینه‌سازی اخلاق، سیاست‌های فرهنگی.



مقدمه

در دهه‌های اخیر، اخلاق مدرن با تکیه بر فردگرایی افراطی، نسبی‌گرایی ارزشی، آزادی مطلق انتخاب و تضعیف تعهدات اجتماعی، نهاد خانواده را به‌عنوان بنیادی‌ترین ساختار اجتماعی متزلزل کرده است (بک و بک-گرنهایم، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴).

این تحولات به افزایش نرخ طلاق، فروپاشی عاطفی، خشونت پنهان خانوادگی و بحران در نقش‌های والدینی در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، منجر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱، ص ۵). در چنین بستری، بازخوانی آموزه‌های فقهی و اخلاقی اسلام برای احیای نهاد خانواده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مفهوم استحکام خانواده که در متون اسلامی با واژگانی چون سکینه، مودت، رحمت، معاشرت به معروف و وفای به عهد تبیین شده، راهکاری بنیادین برای مقابله با این مسائل ارائه می‌دهد (روم، ۲۱).

نهاد خانواده در نظام اسلامی، سنگ بنای تمدن اخلاقی و بستر تربیت دینی و اخلاقی افراد است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴).

با این حال، در ادبیات معاصر فقه و حقوق خانواده، مفهوم استحکام خانواده یا به‌صورت توصیه‌های اخلاقی غیرالزام‌آور مطرح شده یا به قواعدی اجرایی محدود تقلیل یافته است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۰).

این خلأ نظری و کاربردی، بازتعریف استحکام خانواده را به‌مثابه یک اصل فقهی اخلاقی با ظرفیت سیاست‌گذاری اجتماعی ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر تلاش دارد با تکیه بر منابع معتبر فقهی و حقوقی، این اصل را به‌عنوان راهبردی برای بازآفرینی خانواده در برابر فروپاشی اخلاق مدرن معرفی کند.

اگرچه مطالعات متعددی به مسائل خانواده از منظر فقهی یا حقوقی پرداخته‌اند (مانند محمدقلی‌ها، ۱۳۹۵، ص ۹۵؛ فرح‌زادی و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲)؛ اما کمتر پژوهشی استحکام خانواده را به‌صورت یک اصل جامع فقهی اخلاقی با رویکردی میان‌رشته‌ای و





ناظر به مسائل مدرن بررسی کرده است. این پژوهش با ترکیب تحلیل فقهی، حقوقی و فرهنگی، خلأ موجود را پر کرده، الگویی عملی برای نهادهای سازنده این اصل ارائه می‌دهد.

اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تبیین چیستی و ماهیت فقهی اخلاقی اصل استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل راهبردی؛

۲. تحلیل کارکردهای اصل استحکام خانواده در مواجهه با مسائل اخلاق مدرن، مانند فردگرایی و نسبی‌گرایی ارزشی؛

۳. ارائه الگویی سه‌لایه (فقهی، حقوقی، فرهنگی) برای نهادهای سازنده اصل استحکام خانواده در نظام اخلاق کاربردی جمهوری اسلامی ایران.

پرسش‌هایی که در این تحقیق پاسخ داده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. ماهیت فقهی اخلاقی اصل استحکام خانواده چیست و چگونه در نظام اسلامی تبیین می‌شود؟

۲. اصل استحکام خانواده چگونه می‌تواند به مقابله با مشکلات برآمده از اخلاق مدرن کمک کند؟

۳. چه الگویی برای نهادهای سازنده اصل استحکام خانواده در نظام حقوقی و فرهنگی ایران قابل ارائه است؟

این پژوهش، ابتدا چیستی اصل استحکام خانواده را تبیین، سپس کارکردهای آن را در تقابل با مشکلات مدرن تحلیل می‌کند و در نهایت، با بررسی دیدگاه متفکران اسلامی معاصر و تحلیل تطبیقی اسناد بین‌المللی، الگویی سه‌لایه برای نهادهای سازنده این اصل ارائه می‌دهد.

نوآوری پژوهش در بازتعریف استحکام خانواده به‌مثابه یک اصل حاکم فقهی اخلاقی و طراحی الگوی اجرایی ناظر به سیاست‌گذاری فرهنگی، آموزشی و حقوقی است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده است. در بخش توصیفی، ابتدا مفهوم استحکام خانواده از منظر فقهی، حقوقی و اخلاقی با استناد به منابع معتبر اسلامی (قرآن کریم، احادیث، تفاسیر و آثار فقهی کلاسیک و معاصر) و همچنین، منابع حقوقی (قوانین مدنی ایران و اسناد بین‌المللی) شناسایی و تبیین شده است.

در بخش تحلیلی، کارکردهای این اصل در مواجهه با مسائل اخلاق مدرن (فردگرایی، نسبی‌گرایی ارزشی، تضعیف نقش‌های جنسیتی و بحران تعهد) بررسی گردیده و با تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های متفکران اسلامی معاصر و اسناد بین‌المللی، الگویی برای نهادینه‌سازی آن پیشنهاد شده است.

داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. منابع اولیه شامل متون فقهی (مانند قواعد الاحکام علامه حلی و احکام خانواده آیت‌الله مکارم شیرازی)، تفاسیر قرآنی (تفسیر المیزان علامه طباطبائی) و احادیث معتبر (کافی کلینی و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی) بوده‌اند. منابع ثانویه نیز شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و کتب مرتبط با اخلاق کاربردی و حقوق خانواده (مانند آثار استاد مطهری، محقق داماد و حکمت‌نیا) هستند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد کیفی و استدلالی انجام شده است. در این فرایند، ابتدا مفاهیم کلیدی (مانند استحکام، مودت، رحمت و تعهد) از متون استخراج و سپس با مسائل اخلاق مدرن تطبیق داده شده‌اند. در نهایت، با بهره‌گیری از اصول فقهی (مانند وفای به عهد، لاضرر) و تحلیل تطبیقی، الگویی سه‌لایه (فقهی، حقوقی، فرهنگی) برای نهادینه‌سازی اصل استحکام خانواده طراحی گردیده است.

این روش‌شناسی، امکان تبیین نظری و ارائه راهکارهای عملی برای احیای اصل استحکام خانواده را در نظام اخلاق کاربردی جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است.





پیشینه پژوهش

برخی از مطالعات فقهی به جنبه‌های نظری استحکام خانواده پرداخته‌اند؛ اما کمتر آن را به‌عنوان یک اصل راهبردی بررسی کرده‌اند. فرحزادی و ابراهیمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازپژوهی استنباط احکام خانواده با توجه به اصل استحکام خانواده»، نقش این اصل را به‌عنوان معیاری در فرایند اجتهاد تحلیل کرده‌اند. باین‌حال، این پژوهش به مسائل اخلاق مدرن توجه کافی نداشته است. همچنین، در کتاب *احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی* (مکارم شیرازی و علیان‌نژاد، ۱۳۹۳)، نویسندگان با استناد به قواعد فقهی مانند لاضرر و وفای به عهد، به کارکرد اجرایی احکام خانواده پرداخته‌اند؛ اما تحلیل تقابل استحکام خانواده با اخلاق مدرن مغفول مانده است.

در حوزه حقوقی، محمدقلی‌ها (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان *اصل تحکیم خانواده و ظرفیت‌سنجی علم حقوق در تحقق آن*، ظرفیت‌های قانون حمایت خانواده را بررسی کرده است. باین‌حال، در این پژوهش، تمایز نظری میان اصل و قاعده تبیین نشده و به تحلیل‌های اخلاقی کاربردی کمتر توجه شده است. همچنین، یآوری و یاقوتی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول حاکم بر سلامت و تحکیم بنیان خانواده»، مفاهیمی مانند احترام متقابل و عدالت را تحلیل کرده‌اند؛ اما استحکام خانواده را صرفاً به‌عنوان یک مؤلفه اخلاقی دیده و جنبه‌های ساختاری فقهی آن را نادیده گرفته‌اند.

در حوزه اخلاق و تربیت، در کتاب *بهشت خانواده* (مصطفوی، ۱۳۹۴) به ابعاد عاطفی و تربیتی خانواده پرداخته و توصیه‌هایی برای حفظ مودت ارائه شده است؛ اما کتاب از تحلیل فقهی ساختاری بی‌بهره است. محمدی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود با عنوان *نظام حقوق زن در خانواده از منظر فقه شیعه*، بر حقوق متقابل زوجین تمرکز داشته و استحکام خانواده را به‌عنوان یک اصل اخلاقی مستقل بررسی نکرده است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه مطالعات فقهی، حقوقی و اخلاقی متعددی به مسائل خانواده پرداخته‌اند، اما نبودن رویکردی جامع و میان‌رشته‌ای برای تبیین استحکام



خانواده، به عنوان یک اصل راهبردی، خلأیی است که این پژوهش می‌کوشد آن را پر کند.

۱. چیستی‌شناسی فقهی اصل استحکام خانواده

یکی از مباحث بنیادین در حوزه فقه خانواده، شناخت ماهیت مفاهیمی است که بیش از آنکه به عنوان احکام جزئی به کار روند، نقش هدایتگر و ساختاری در استنباط احکام و تنظیم روابط اجتماعی دارند. مفهوم «استحکام خانواده» از جمله این مفاهیم است که در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با بروز بحران‌های اخلاقی در جامعه معاصر، مورد توجه فقه‌پژوهان، قانون‌گذاران و اندیشمندان اخلاق کاربردی قرار گرفته است.

در آموزه‌های اسلامی، خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که محل تکوین شخصیت اخلاقی، تربیت دینی، نظم اجتماعی و تحقق عدالت عاطفی معرفی می‌شود. قرآن کریم با عبارت ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم، ۲۱)، بر عنصر آرامش، مودت و رحمت به عنوان پایه‌های روابط خانوادگی تأکید می‌کند. این سه مؤلفه، عناصر هویتی یک خانواده مستحکم در نگاه اسلامی هستند. علامه طباطبایی (۱۴۰۱، ج ۱۶: ص ۳۴۵)، ضمن تفسیر این آیه، بر اهمیت مودت و رحمت در خانواده تأکید می‌کند؛ هرچند عبارت «فقه اسلامی» به طور مستقیم در این بخش ذکر نشده است.

از دیدگاه فقهی، «اصل» به معنای یک بنیان فراگیر و هادی است که قواعد مختلف می‌توانند ذیل آن معنا یابند. محقق داماد، در تعریف اصل فقهی، آن را مبنایی می‌داند که احکام متعددی بر آن مبتنی‌اند، در حالی که «قاعده» تنها در موارد معین کاربرد دارد (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲).

بر این مبنا، اگر استحکام خانواده را یک اصل بدانیم، نقش آن در اجتهاد، قانون‌گذاری و اخلاق‌ورزی فردی و اجتماعی، بنیادین است.



در مقابل، برخی از فقه‌پژوهان، مفهوم استحکام خانواده را در مقام قاعده در نظر می‌گیرند؛ قاعده‌ای که در موضوعات مشخصی چون نفقه، وفای به عهد و منع ضرر حضور می‌یابد و دامنه محدودی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۶۸). باین حال، شواهد متعدد قرآنی^۱ و روایی^۲ نشان می‌دهد استحکام خانواده، صرفاً یک قاعده اجرایی نیست، بلکه نقش هدایتگر و اصولی در نظام حقوقی اسلام دارد. از منظر اصول فقه اسلامی، اصل استحکام خانواده، چند ویژگی بنیادین دارد:

الف) گستره شمول: این اصل در سراسر احکام مرتبط با ازدواج، طلاق، حضانت، حقوق متقابل زوجین، حق مسکن، نفقه و حتی در آیین رسیدگی قضایی کاربرد دارد (مکارم شیرازی و علیان‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷)؛

ب) پایه‌گذاری هنجاری: استحکام خانواده در آموزه‌های دینی، با مفاهیمی همچون عدل، تعاون، تعهد، محبت و غیرت مثبت، پیوند دارد و نهاد خانواده را نه تنها از نظر قانونی، بلکه از حیث اخلاقی تعریف می‌کند (مصطفوی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲)؛

ج) پشتوانه روایی و قرآنی گسترده: احادیث متعددی بر این اصل دلالت دارند؛ از جمله این فرمایش پیامبر ﷺ: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۲۸) که تأسیس خانواده را محبوب‌ترین ساختار در اسلام معرفی می‌کند؛

د) ایفای نقش در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی: اصل استحکام می‌تواند مانند اصل عدالت یا اصل کرامت انسانی، در تدوین قوانین خانواده و راهبردهای فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۴۱).

در منابع فقهی کلاسیک نیز گرچه عنوان «استحکام خانواده» به صراحت وجود ندارد، اما مضامین آن در باب «الاحکام المتعلقة بالنکاح والطلاق» آشکار است؛ برای نمونه، علامه

۱. مانند آیه ۲۱ سورة روم.

۲. مانند حدیث «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۲۸).



حلی، بر حسن معاشرت و رعایت مصالح خانواده تأکید دارد و حفظ رابطه زوجیت را در موارد شک و اختلاف توصیه می‌کند (حلی، ج ۲: ص ۵۰۶).

حتی برخی از صاحب‌نظران غربی نیز در تحلیل‌های اخلاق اجتماعی به ضرورت حفظ بنیان خانواده اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، چارلز تیلور، فروپاشی اخلاق خانوادگی را بخشی از بحران هویت مدرن می‌داند که تنها با بازگشت به هنجارهای مشترک قابل ترمیم است (تیلور، ۱۳۹۴، ص ۵۱۸).

با این توضیح، روشن می‌شود که تحلیل استحکام خانواده به مثابه یک «اصل»، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای مواجهه با بحران‌های اخلاقی معاصر فراهم می‌سازد؛ چراکه این اصل، هم در سطح نظری (فقه و اصول) و هم در سطح اجرایی (قوانین مدنی و حمایتی) قابلیت بروز دارد.

براین اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد در گام‌های بعدی، استحکام خانواده را در تعامل با مسائل اخلاق مدرن تحلیل کند و راهکارهای عملی مبتنی بر آن ارائه دهد.

۲. استحکام خانواده در مواجهه با مسائل اخلاق مدرن

تحولات اخلاقی در جهان معاصر، با تغییر در بنیان‌های ارزشی همراه بوده است. اخلاق مدرن، برخلاف اخلاق سنتی اسلامی، در بسیاری از موارد مبتنی بر فردمحوری، نسبی‌گرایی ارزشی، نفی اقتدار سنتی و تجلیل از آزادی بی‌حدومرز است. این تحولات، مستقیماً نهاد خانواده را هدف قرار داده و آن را از یک ساختار مبتنی بر تعهد و تکلیف، به یک قرارداد عاطفی موقت تقلیل داده‌اند.

در این بستر، مفهوم استحکام خانواده که در آموزه‌های اسلامی به عنوان یک اصل اخلاقی فقهی معرفی شده، بیش از پیش نیازمند بازتعریف و نهادینه‌سازی در عرصه‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی است.



۱.۲. فردگرایی و زوال مسئولیت‌پذیری خانوادگی

یکی از ویژگی‌های اخلاق مدرن، اصالت فرد و ترجیح خواست شخصی بر منافع جمعی یا خانوادگی است.

این رویکرد سبب شده مسئولیت‌پذیری در قبال همسر، فرزند و نهاد خانواده، به‌عنوان نوعی محدودیت در نظر گرفته شود. در مقابل، آموزه‌های فقه اسلامی، خانواده را محل مسئولیت متقابل می‌داند؛ چنان‌که در حدیثی آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹).

فقه اسلامی در احکام مربوط به نفقه، حضانت و حقوق متقابل زوجین، بر مسئولیت‌های متقابل تأکید دارد، نه صرفاً حقوق فردی؛ بنابراین، اصل استحکام خانواده، در مواجهه با موج فردگرایی، ارزش مسئولیت‌پذیری را بازتعریف و نهادینه می‌سازد (مکارم شیرازی و علیان‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰).

۲.۲. نسبی‌گرایی اخلاقی و بحران معیارها

نسبی‌گرایی اخلاقی که از مؤلفه‌های اخلاق پست‌مدرن است، قائل به نبود ارزش‌های ثابت و جهان‌شمول است. در این رویکرد، مفاهیمی مانند وفاداری زناشویی، حیا، قوامیت و نقش والدین، ساختارهایی کهنه و قابل بازنگری تلقی می‌شوند.

این نگاه اساساً پایه‌های استحکام خانواده را که بر ثبات ارزش‌ها استوار است، متزلزل می‌سازد. در مقابل، فقه اسلامی بر قواعدی پایدار و ارزش‌مدار در حوزه خانواده تأکید می‌کند. وفای به عهد^۱، وفاداری زناشویی و عدالت رفتاری، از جمله این اصول‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۶۹)؛ بدین ترتیب، اصل استحکام خانواده در فقه، در مقابل اخلاق نسبی‌گرا، تکیه‌گاهی برای حفظ معیارهای اخلاقی قابل اعتماد ایجاد می‌کند.

۱. «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده، ۱).



۳.۲. تضعیف نقش‌های جنسیتی و سردرگمی کارکردی

یکی دیگر از نتایج اخلاق مدرن، ابهام در نقش‌های جنسیتی در خانواده است. گفتمان‌های افراطی دربارهٔ برابری جنسیتی، هرگونه تقسیم وظایف مبتنی بر تفاوت طبیعی و نقش اجتماعی را نفی می‌کنند؛ در نتیجه، روابط خانوادگی، به جای تکمیل نقش‌ها، به رقابت نقش‌ها تبدیل شده است.

فقه اسلامی، ضمن پذیرش اصل کرامت انسانی زن و مرد، به تفاوت نقش‌ها باور دارد. مسئولیت مالی مرد، تأکید بر عاطفهٔ مادری و مدیریت مشترک در خانواده، الگویی است که نه بر تبعیض، بلکه بر تکمیل و تعادل وظایف مبتنی است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۲۶۲). استحکام خانواده در این چهارچوب، نه با حذف نقش‌ها، بلکه با هماهنگی آن‌ها تضمین می‌شود.

۴.۲. بحران تعهد و افزایش طلاق

آمارهای رسمی در ایران نشان می‌دهد طلاق به یکی از مهم‌ترین تهدیدات نهاد خانواده تبدیل شده است. در سال ۱۴۰۰، از هر سه ازدواج، یکی به طلاق منجر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). این بحران، نه تنها یک مسئلهٔ حقوقی، بلکه یک مسئلهٔ اخلاقی و اجتماعی است؛ زیرا نشان‌دهندهٔ کاهش تعهد و صبر و تحمل در زندگی مشترک است.

در متون اسلامی، ازدواج، محبوب‌ترین بنا نزد خداوند معرفی شده است: «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّرْوِيجِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۲۸) و طلاق، از اعمالی است که خشم الهی را در پی دارد: «أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ص ۲۵۰). اصل استحکام خانواده بر پایهٔ همین آموزه‌ها، تحمل، اصلاح و گفت‌وگو را به جای جدایی توصیه می‌کند.

حاصل آنکه در مواجهه با اخلاق مدرن که ساختار خانواده را متزلزل ساخته است، اصل استحکام خانواده در فقه اسلامی، نه تنها یک مبنای فقهی، بلکه راهبردی اخلاقی و



تمدنی برای بازسازی جامعه است. این اصل، مسئولیت پذیری، وفاداری، نقش پذیری و تعهد را به مثابه ارزش های بنیادین ترویج می دهد و در سیاست گذاری های فرهنگی و حقوقی می توان از آن بهره برداری کرد.

۳. مبنای فقهی اخلاقی اصل استحکام خانواده؛ از قاعده به سیاست راهبردی

در نظام فکری اسلام، اصول فقهی و اخلاقی، نه تنها در استنباط احکام فردی، بلکه در طراحی ساختارهای کلان اجتماعی نیز کاربرد دارند. اصل استحکام خانواده نیز از جمله مفاهیمی است که ظرفیت آن برای ایفای نقش راهبردی در نظام قانون گذاری، آموزش و سیاست فرهنگی، تاکنون کمتر به صورت منسجم تحلیل شده است. پرسش اساسی آن است که آیا استحکام خانواده می تواند از یک مفهوم اخلاقی فقهی، به سیاستی راهبردی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود؟ در این بخش تلاش می شود با استناد به منابع فقهی، مبانی نظری این امکان واکاوی گردد.

۳.۱. از توصیه اخلاقی تا قاعده فقهی

ممکن است عده ای استحکام خانواده را صرفاً توصیه ای اخلاقی یا هنجاری تلقی کنند؛ مانند رعایت محبت، گذشت یا صبر در روابط زوجین. باین حال، بازخوانی آموزه های فقهی نشان می دهد این مفهوم در بستر قواعد الزام آور حقوقی نیز قابل پیگیری است. قواعدی همچون «حرمة الإضرار»، «لزوم الوفاء بالعقود» و «اصل عدالت» همگی ابزارهایی برای تحقق استحکام خانواده اند (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۹۵؛ مکارم شیرازی و علیان نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸). در آیاتی نظیر ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء، ۱۹) و ﴿إِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ (بقره، ۲۲۹) بر این قواعد تأکید شده است. این دستورات فراتر از اخلاق توصیه ای، جنبه الزامی یافته و مبنای قضاوت و الزام در احکام طلاق، نفقه و سوء معاشرت محسوب می شوند.



۳.۲. تبدیل اصل استحکام به سیاست اجتماعی

اگر اصل استحکام خانواده در فقه، کارکرد راهبردی داشته باشد، برای تبدیل شدن به یک «اصل سیاست گذار» نیز قابلیت دارد. در نظام های حقوقی مدرن، مفاهیمی همچون «اصل مصلحت کودک» یا «اصل برابری فرصت ها» به عنوان اصول فرابخشی مورد استفاده اند. مشابه این فرایند را می توان برای اصل استحکام خانواده نیز در نظر گرفت. حکمت نیا (۱۳۹۹، ص ۸۲) پیشنهاد می دهد در سیاست های حقوق خانواده باید از سطح قواعد فقهی به سمت تدوین اصول راهبردی حرکت کرد. این فرایند می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. الزام مشاوره قبل از طلاق؛
۲. آموزش های اجباری پیش از ازدواج؛
۳. جرم انگاری آسیب زننده به کیان خانواده (مانند ترک انفاق و خشونت های عاطفی)؛
۴. تدوین شاخص های استحکام خانواده در قانون گذاری فرهنگی.

۳.۳. مصادیق تحقق اصل استحکام در سیاست های حقوقی ایران

در دستورالعمل سیاست های کلی نظام خانواده (مصوب ۱۳۹۵/۰۹/۰۶ توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی)، بندهایی مانند تقویت بنیان خانواده، بازتعریف نقش زن و مرد و ممانعت از فروپاشی خانواده، به صراحت به اصل استحکام ارجاع داده شده اند. این نشان می دهد ساختار کلان نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل استحکام خانواده را به عنوان یک راهبرد سیاستی، به رسمیت شناخته است. در مواد متعددی از قانون مدنی و قانون حمایت خانواده نیز گرایش به حفظ پیوند زوجیت در اولویت قرار گرفته است؛ برای نمونه:

- ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱): الزام دادگاه به ارجاع زوجین به داوری؛
- ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: امکان محدود ساختن حق طلاق با شروط ضمن عقد؛
- ماده های ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ قانون مدنی: تأکید بر حسن معاشرت و همکاری زوجین.



این موارد نشان می‌دهند نظام حقوقی ایران، بدون تصریح به عنوان «اصل استحکام»، در عمل، بخشی از اقتضائات آن را در قانون‌گذاری لحاظ کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۷۵).

۳.۴. لزوم ارتقای فقه خانواده به سطح اخلاق اجتماعی

اگر فقه خانواده صرفاً در محدوده احکام خصوصی باقی بماند، نمی‌تواند به تنهایی در برابر طوفان‌های اخلاق مدرن مقاومت کند. تبدیل اصل استحکام به اصل راهبردی، نیازمند عبور از سطح فردی به سطح اجتماعی است؛ یعنی نظام‌های آموزشی، رسانه‌ای و حقوقی باید هم‌زمان این اصل را بپذیرند. استاد مطهری در آثار خود بر پیوند فقه و اخلاق اجتماعی تأکید دارد و می‌نویسد: «اگر فقه، اخلاق را تنها در سطح فردی نگه دارد، کارآمدی اجتماعی خود را از دست می‌دهد» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۹۸). براین اساس، اصل استحکام باید به عنوان اخلاق اجتماعی نهادینه‌شده در نظام خانواده ایرانی تلقی شود، نه صرفاً توصیه‌ای فردی.

حاصل آنکه بررسی مبانی فقهی اصل استحکام خانواده نشان می‌دهد این اصل، هم در عرصه قواعد فقهی و هم در حوزه اخلاق کاربردی، ظرفیت نهادینه‌شدن به عنوان یک سیاست راهبردی را دارد.

ارتقای جایگاه این اصل از سطح توصیه به سیاست، نیازمند بازطراحی نظام‌های آموزشی، حقوقی و فرهنگی با محوریت خانواده است. در گام بعدی، الگوی پیشنهادی برای این نهادینه‌سازی ارائه می‌شود.

۴. الگوی اخلاقی کاربردی برای بازآفرینی خانواده براساس اصل استحکام

پس از تحلیل چستی اصل استحکام خانواده و بررسی جایگاه آن در مواجهه با مسائل اخلاق مدرن، اکنون باید به مرحله طراحی یک الگوی اخلاقی کاربردی برسیم؛ الگویی



که با تکیه بر مبانی فقهی، ظرفیت حقوقی و واقعیت‌های اجتماعی معاصر، به بازآفرینی نهاد خانواده و مقابله با فروپاشی اخلاقی کمک کند. در این بخش، الگویی ارائه می‌شود که سه سطح اساسی را در نظر دارد:

۱. سطح فقهی اصولی (برای اجتهاد و استنباط)؛
۲. سطح حقوقی اجرایی (برای قانون‌گذاری و نهادسازی)؛
۳. سطح اخلاقی فرهنگی (برای سیاست‌گذاری اجتماعی).

۴. ۱. سطح فقهی اصولی: بازشناسی استحکام به مثابه اصل حاکم

در نظام اصول فقه، اصولی همچون عدالت، کرامت انسان، مصلحت و رفع حرج، به عنوان اصول حاکم بر استنباط احکام شناخته می‌شوند. پیشنهاد این مقاله، قرار گرفتن اصل استحکام خانواده در کنار این اصول حاکم است.

ویژگی‌های فقهی این اصل:

۱. دارای پشتوانه قرآنی (روم، ۲۱؛ نساء، ۱۹؛ بقره، ۲۲۹)؛
 ۲. قابل تعمیم به ابواب مختلف فقهی شامل نکاح، طلاق، نفقه و قضا؛
 ۳. واجد ظرفیت تأسیسی در اجتهاد متناسب با نیاز روز.
- نمونه: قاعده وفای به عهد در شروط ضمن عقد ازدواج، در پرتو اصل استحکام می‌تواند گسترش یابد و تعهدهای جدیدی مانند وفاداری عاطفی یا احترام متقابل نیز واجد الزام شرعی شود (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱).

۴. ۲. سطح حقوقی اجرایی: ترجمه اصل استحکام به سیاست‌های الزام‌آور

در این سطح، اصل استحکام باید از طریق نهادسازی و اصلاح قوانین به مرحله اجرا برسد.



پیشنهادهای عملی:

الف) ایجاد نهاد مشاوره اجباری با رویکرد دینی روانی پیش از طلاق: بسیاری از طلاق‌ها ناشی از اختلافات غیربنیادین هستند. الزام مراجعه به نهادهای مشاوره معتبر با رویکرد دینی می‌تواند ضریب بازگشت به زندگی مشترک را افزایش دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۸۳)؛

ب) تدوین منشور استحکام خانواده در قالب سند ملی: همانند «منشور حقوق شهروندی»، دولت می‌تواند با همکاری حوزه علمی و دانشگاه‌ها، «منشور استحکام خانواده» را تدوین کند؛ به گونه‌ای که این منشور دربردارنده وظایف، هنجارها و ارزش‌های مشترک باشد.

ج) افزودن بندهای حمایتی در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده: شامل مواردی نظیر حمایت از مادران خانه‌دار، عدالت جنسیتی غیرتقابلی، ارتقای ضمانت اجرایی برای ترک مسئولیت‌های خانوادگی.

د) سیاست‌های پیشگیرانه رسانه‌ای: بازنمایی خانواده مستحکم در سریال‌ها، مستندها، پویانمایی‌ها و کتاب‌های درسی باید در اولویت قرار گیرد. رسانه‌ها نقش مهمی در نهادینه‌سازی اصل استحکام دارند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۹۴).

۳.۴. سطح اخلاقی فرهنگی: استحکام به عنوان هنجار عمومی

از منظر اخلاق کاربردی، استحکام باید به یک هنجار اجتماعی پذیرفته شده تبدیل شود. این امر از طریق ابزارهایی همچون نظام آموزشی، خطبه‌های نماز جمعه، مشاوره‌های قبل از ازدواج و تبلیغ دینی ممکن است.

پیشنهادهای فرهنگی:

۱. گنجاندن درس «اخلاق خانواده اسلامی» در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها؛



۲. آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین در مراکز مشاوره؛

۳. فعال‌سازی ظرفیت ائمه جماعات و مربیان پرورشی در ترویج این اصل؛

۴. تبیین استحکام خانواده در برنامه‌های گفت‌وگو محور تلویزیونی.

همه این اقدامات به تقویت نقش اخلاق در تثبیت نظام خانواده می‌انجامد و در نهایت، اخلاق اسلامی را از سطح تجرید به عرصه کاربرد اجتماعی می‌کشاند.

حاصل آنکه الگوی اخلاقی کاربردی پیشنهادی برای احیای اصل استحکام خانواده، تلاشی است برای پیوند دادن متن با واقعیت؛ یعنی استفاده از منابع اصیل اسلامی برای حل یکی از بحرانی‌ترین مسائل اجتماعی روز: فروپاشی خانواده. این الگو اگر در سطوح سه‌گانه فقه، قانون و فرهنگ به‌درستی طراحی و اجرا شود، می‌تواند به تقویت نظام اخلاقی جامعه ایرانی و صیانت از خانواده، به‌عنوان سنگ بنای تمدن اسلامی، کمک شایانی کند.

۵. نقش اخلاقی اصل استحکام خانواده در اندیشه متفکران اسلامی معاصر

یکی از ابعاد مهم در بررسی اصول اخلاقی فقهی در نظام اسلامی، بازتاب این اصول در آثار متفکران معاصر است. اصل استحکام خانواده، اگرچه به‌صراحت در منابع اولیه با این عنوان مطرح نشده، اما محتوای آن در گفتار و نوشتار اندیشمندان بزرگ اسلامی به‌وضوح انعکاس یافته است. در این بخش، دیدگاه چند تن از برجسته‌ترین متفکران شیعه در عصر حاضر بررسی می‌شود تا روشن گردد این اصل چگونه به‌عنوان یک مبنای بنیادین اخلاق اجتماعی و سیاست‌گذاری خانواده مطرح بوده است.

۵. ۱. شهید مرتضی مطهری؛ استحکام خانواده، ستون اخلاقی جامعه اسلامی

استاد شهید مطهری، در آثار خود، به‌ویژه در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام*، خانواده را نهاد پایه‌ای برای بقای جامعه می‌داند. وی معتقد است «نظام خانواده، نظامی است که اگر



سست شود، جامعه از درون متلاشی می‌گردد. استحکام خانواده، نه تنها یک مسئله عاطفی، بلکه یک ضرورت تمدنی است» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۹۱).

وی همچنین از تفاوت طبیعی نقش‌ها و ضرورت وفاداری و تعهد متقابل در خانواده دفاع می‌کند و معتقد است بی‌توجهی به این موارد، پایه‌های اخلاق عمومی را سست می‌کند (همان، ص ۱۰۳).

۵. ۲. علامه طباطبایی؛ خانواده، تجلیگاه سکینه و رحمت الهی در اخلاق اسلامی

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی ضمن تفسیر آیه ۲۱ سوره روم، بر این باور است که مودت و رحمت الهی در بستر خانواده متجلی می‌شود. او می‌نویسد: «خانواده سکونت‌گاه روحی انسان است و جز در سایه حفظ استحکام آن، این آرامش و رحمت تحقق نمی‌یابد» (طباطبایی، ۱۴۰۱، ج ۱۶: ص ۳۴۵).

علامه بر این نکته تأکید دارد که کارکردهای اخلاقی خانواده، از سنخ روابط قراردادی نیست، بلکه اصول فطری بر آن حاکم است که باید حفظ شود.

۵. ۳. امام خمینی؛ احیای خانواده، پایه اخلاقی تحقق حکومت اسلامی

امام خمینی رحمته الله در بیانات و نامه‌های خود، خانواده را هسته مرکزی اصلاح جامعه می‌دانستند. در وصیت‌نامه الهی سیاسی ایشان آمده است: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود... صلاح و فساد یک ملت، از صلاح و فساد زن در خانواده آغاز می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۸).

امام، خانواده را نه تنها نهادی خصوصی، بلکه نهادی با پیامدهای عمیق اجتماعی می‌داند و بر سیاست‌گذاری برای استحکام آن تأکید داشت. او معتقد بود ارزش‌های اسلامی تنها زمانی پایدار می‌مانند که از طریق خانواده منتقل و تثبیت شوند.



۵. ۴. آیت الله مکارم شیرازی؛ اصل استحکام، راهبرد فقهی اخلاقی در جامعه

آیت الله مکارم در آثار فقهی خود، به ویژه در کتاب/ احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، پیوسته بر لزوم رعایت عدالت، حسن معاشرت، پرهیز از طلاق عجولانه و تقویت بنیادهای عاطفی تأکید دارد. او معتقد است «اگر اصل بر استحکام خانواده باشد، باید در همه احکام، از عقد تا طلاق، این اصل رعایت شود» (مکارم شیرازی و علیان نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷).

آیت الله مکارم، به صراحت از اصل استحکام خانواده به عنوان معیار فقهی یاد می کند که باید در سیاست گذاری ها مدنظر باشد.

حاصل آنکه بررسی اندیشه متفکران اسلامی معاصر نشان می دهد اصل استحکام خانواده، نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه یک راهبرد تمدن ساز در اندیشه اسلامی است. این اصل از نظر آنان، ضامن انتقال ارزش های دینی، سامان دهنده روابط اجتماعی و پشتوانه تربیت اخلاقی نسل آینده است. این اندیشمندان بر این نکته اتفاق نظر دارند که بدون حفظ خانواده، هیچ گونه اصلاح اجتماعی و اخلاقی پایدار نخواهد بود.

۶. بررسی تطبیقی اصل استحکام خانواده در اسناد بین المللی و حقوق اسلامی از

منظر اخلاقی

در روزگاری که نهاد خانواده در بسیاری از جوامع در معرض فروپاشی است، توجه به رویکرد نظام های حقوقی و اسناد بین المللی در قبال خانواده، اهمیت بسزایی دارد. هر چند بسیاری از این اسناد از عباراتی همچون «حقوق خانواده»، «مصلحت کودک» و «برابری جنسیتی» بهره برده اند، مفهوم جامع و اخلاق محور «استحکام خانواده» کمتر به صراحت در آنها دیده می شود. در این بخش تلاش می شود با مقایسه دیدگاه اخلاقی اسلام و برخی از اسناد بین المللی، ظرفیت های فقه اسلامی برای بازآفرینی یک نظام اخلاقی مبتنی بر استحکام خانواده بررسی گردد.



۶. ۱. رویکرد اخلاقی اسناد بین‌المللی به خانواده: تأکید بر فردگرایی

از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی قابل بررسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ مصوب ۱۹۴۸: ماده ۱۶ این سند، خانواده را واحد طبیعی و اساسی جامعه می‌داند که باید مورد حمایت قرار گیرد؛
 ۲. کنوانسیون حقوق کودک^۲ مصوب ۱۹۸۹: بر اهمیت محیط خانوادگی و مسئولیت والدین در تربیت کودک تأکید دارد (مواد ۵ و ۱۸)؛
 ۳. اهداف توسعه پایدار^۳ مصوب ۲۰۱۵ (سازمان ملل): هدف پنجم این سند، بر برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان تأکید دارد که اگرچه در ظاهر به عدالت خانوادگی کمک می‌کند، در عمل، گاه موجب ابهام در نقش‌های خانوادگی می‌شود.
- در اغلب این اسناد، خانواده بیش از آنکه به عنوان یک نهاد اخلاقی پایدار دیده شود، به صورت ساختاری تابع انتخاب فردی تعریف شده است و الزام اخلاقی در آن کم‌رنگ است (بک و بک-گرنهایم، ۱۳۸۱، ۱۰۴).

۶. ۲. رویکرد اخلاقی حقوق اسلامی: تأکید بر تعهدات متقابل و پایدار

در نظام حقوقی اسلام، خانواده نه یک قرارداد قابل فسخ صرف، بلکه نهادی با ابعاد ایمانی، عاطفی، اخلاقی و حقوقی است. ازدواج با صیغه عقد آغاز می‌شود و طلاق در شرع، آخرین راهکار پس از ناتوانی کامل در اصلاح روابط معرفی شده است. این نگاه از نظر فقه اسلامی، بر سه اصل استوار است:

۱. اصل وفاداری (المعروف، الرحمة، العهد)؛
۲. اصل قوامیت متقابل (نقش مکمل زن و مرد، نه متقابل)؛

1. UDHR.
2. CRC.
3. SDGs.



۳. اصل مصلحت خانواده به مثابه کل واحد: در فقه شیعه، قواعدی نظیر «لاضرر»، «وفای به عهد»، «حسن معاشرت» و «اصل تعاون» مستقیماً ناظر به استحکام روابط خانوادگی هستند (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۶۵).

۳.۶. تمایز رویکرد اخلاقی: وظیفه‌محوری در اسلام، حق‌محوری در غرب

یکی از تفاوت‌های بنیادین، جایگاه تکلیف اخلاقی در خانواده است. در حقوق بین‌الملل مدرن، بیشترین تأکید بر حقوق فردی و انتخاب آزادانه است، در حالی که فقه اسلامی، بر تعهد متقابل، گذشت و همدلی در مقابله با مشکلات تأکید دارد؛ برای نمونه، در کنوانسیون حقوق کودک، تأکید بر آزادی کودک و استقلال او از والدین دیده می‌شود؛ ولی در اسلام، هدایت اخلاقی فرزند در چهارچوب استحکام خانواده، یک وظیفه والدینی تعریف شده است (لقمان، ۱۳-۱۹).

۴.۶. نقد و جمع‌بندی تطبیقی از منظر اخلاقی

با وجود تلاش اسناد بین‌المللی در حمایت از نهاد خانواده، نگاه آن‌ها عمدتاً فردمحور، نسبی‌گرا و غیرمتعهدانه است. این در حالی است که حقوق اسلامی، ضمن به رسمیت شناختن ارزش‌های فردی، بنیان خانواده را بر تعهد اخلاقی پایدار استوار می‌سازد و اصل استحکام را نه تنها در سطح روابط زوجین، بلکه در کل نظام اجتماعی جاری می‌سازد؛ در نتیجه، حقوق اسلامی با تکیه بر اصل استحکام خانواده، ظرفیت ارائه الگویی برتر را در اخلاق کاربردی دارد؛ الگویی که در توازن میان حق و وظیفه، آزادی و مسئولیت و فرد و جمع طراحی شده است.

۷. بایسته‌های نهادینه‌سازی اصل استحکام خانواده در نظام اخلاق کاربردی جمهوری اسلامی ایران

نظام اخلاق کاربردی تنها در سطح تحلیل مفاهیم باقی نمی‌ماند، بلکه رسالت اصلی آن، طراحی ساختارهای نهادینه و فرایندهای اجرایی برای تحقق ارزش‌های اخلاقی در متن جامعه است. از همین رو، اگر اصل استحکام خانواده، آن‌گونه که در بخش‌های پیشین تبیین شد، واجد جایگاه اصولی در فقه اسلامی و نقش بنیادین در مواجهه با چالش‌های اخلاقی معاصر است، ضروری است به‌صورت نظام‌مند در ساختارهای کلان کشور نهادینه گردد. در این بخش، مهم‌ترین بایسته‌ها، الزامات، فرصت‌ها و موانع نهادینه‌سازی اصل استحکام خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود.

۷.۱. ضرورت گفتمان‌سازی و اجماع‌نخبگانی درباره اصل استحکام

هرگونه نهادینه‌سازی، مستلزم اجماع در سطح نخبگان دینی، حقوقی، فرهنگی و رسانه‌ای است. در حال حاضر، با وجود تأکید مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵)، هنوز در سطح نخبگانی، گفتمان مؤثری درباره اصل استحکام خانواده، به‌مثابه یک اصل سیاست‌گذار، شکل نگرفته است. در اینجا پیشنهاد می‌شود دو مورد زیر اجرایی شود:

۱. تشکیل «کارگروه ملی استحکام خانواده» با حضور نمایندگان حوزه، دانشگاه، شورای نگهبان، قوه قضائیه و نهادهای فرهنگی؛
۲. تدوین «اسناد بالادستی تفسیرگر» برای عملیاتی‌سازی بندهای سیاست‌های کلی خانواده.

۷.۲. بازنگری در محتوای آموزشی نظام رسمی و عمومی

نظام آموزشی فعلی، از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، از ساختار منسجم برای تربیت اخلاقی خانواده‌محور بی‌بهره است.



بسیاری از دروس اخلاق، جنبه نظری دارند و به مهارت‌های زندگی خانوادگی، گفت‌وگوی مؤثر، وفاداری، رفع تعارضات و مسئولیت‌پذیری نمی‌پردازند. برای اصلاح این نظام آموزشی راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱. طراحی درس «اخلاق خانواده اسلامی» برای مقاطع دبیرستان و دانشگاه؛
۲. گنجاندن سرفصل‌های مربوط به اصل استحکام در رشته‌های حقوق، علوم تربیتی، روان‌شناسی و فقه؛
۳. تربیت مربیان اخلاق خانواده در حوزه و دانشگاه.

۳.۷. تبدیل اصل استحکام به شاخص در ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها

اصل استحکام خانواده باید به شاخصی برای ارزیابی قوانین، طرح‌های فرهنگی، محتوای رسانه‌ای و عملکرد نهادها تبدیل شود. همان‌گونه که اصل «عدالت» یا «مصلحت کودک»، به‌عنوان شاخص ارزیابی در حقوق و آموزش، به کار می‌روند، اصل استحکام نیز می‌تواند نقش محوری ایفا کند.

نمونه‌های عملیاتی:

۱. اعمال شاخص استحکام در ممیزی فیلمنامه‌ها و برنامه‌های صداوسیما؛
۲. سنجش تأثیرات خانوادگی سیاست‌های اشتغال، مسکن و آموزش؛
۳. تدوین شاخص‌های ملی استحکام خانواده در مرکز آمار ایران.

۴.۷. فعال‌سازی ظرفیت فقه اجتماعی در اجتهاد تمدنی

یکی از موانع نهادینه‌سازی اصل استحکام، محدود ماندن نگاه فقهی به سطح احکام فردی است. این در حالی است که فقه اجتماعی، ظرفیت آن را دارد که اصولی همچون عدالت، کرامت و استحکام را به سطح سیاست‌گذاری کلان ارتقا دهد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲). بدین منظور موارد زیر پیشنهاد می‌شود:



۱. تشویق پایان‌نامه‌ها و تحقیقات حوزه‌های علمیه در موضوع فقه خانواده با رویکرد سیاست‌گذاری؛
 ۲. ورود فقه حکومتی به عرصه تحکیم خانواده و ارائه فتاوی مبتنی بر حفظ بنیان خانواده در شرایط بحرانی؛
 ۳. توسعه دروس «فقه نظام خانواده» در حوزه‌های تخصصی.
- فقه اجتماعی، به‌عنوان یک رویکرد نوین در حوزه فقه، این قابلیت را دارد که اصول فقهی را از سطح فردی به سطح اجتماعی و سیاسی ارتقا دهد. در زمینه استحکام خانواده، فقه اجتماعی می‌تواند نقش کلیدی در طراحی سیاست‌های کلان ایفا کند؛ به‌طور مثال:
- تدوین فتاوی اجتماعی برای کاهش طلاق: فقه اجتماعی می‌تواند با استناد به قواعد فقهی مانند «لا ضرر» و «مصلحت عمومی»، فتوایی ارائه دهد که فرایند طلاق را با الزام به مشاوره‌های دینی روانی و میانجی‌گری قضایی دشوارتر کند تا از تصمیمات عجولانه جلوگیری شود (مکارم شیرازی و علیان‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰)؛
- طراحی سیاست‌های حمایتی برای خانواده‌های کم‌درآمد: فقه اجتماعی می‌تواند با بهره‌گیری از اصل «تعاون» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹)، سیاست‌هایی مانند تخصیص یارانه‌های هدفمند برای تأمین مسکن یا معیشت خانواده‌های جوان را پیشنهاد دهد تا فشارهای اقتصادی، استحکام خانواده را تهدید نکند؛
- ایجاد نظام‌های آموزشی مبتنی بر فقه خانواده: توسعه برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های علمیه که بر مهارت‌های خانوادگی مانند حل تعارض و تقویت مودت تمرکز دارند، می‌تواند به تربیت روحانیونی منجر شود که در مساجد و جوامع محلی، نقش مشاوران دینی خانواده را ایفا کنند (مصطفوی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲).
- نتیجه اینکه فعال‌سازی ظرفیت فقه اجتماعی و فقه حکومتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه‌سازی اصل استحکام خانواده داشته باشد. این رویکرد نه تنها به

تقویت بنیان خانواده در سطح فردی کمک می‌کند، بلکه سیاست‌های کلان را نیز در جهت حفظ خانواده هدایت می‌کند.





نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر اصل استحکام خانواده، در پی آن بود که این مفهوم بنیادین را از سطح توصیه‌های اخلاقی فردی فراتر برده و جایگاه آن را به‌عنوان یک اصل فقهی، اخلاقی و سیاست‌گذار در نظام اسلامی تبیین کند. تحلیل مفهومی نشان داد استحکام خانواده، نه صرفاً یک مؤلفه فرهنگی، بلکه یک ساختار معرفتی و هنجاری است که در سرتاسر نظام فقهی اسلام، از نکاح تا طلاق، جاری است.

در تحلیل تقابلی با مسائل اخلاق مدرن، از جمله فردگرایی افراطی، نسبی‌گرایی اخلاقی، بحران نقش‌های جنسیتی و طلاق آسان، روشن شد که فقه اسلامی، ظرفیت فوق‌العاده‌ای در بازآفرینی نهاد خانواده دارد؛ ظرفیتی که بر مبنای تعهد، وفاداری، عدالت و انسجام اخلاقی شکل گرفته است و خانواده را به‌مثابه نهادی اخلاقی، مسئولانه و پایدار تعریف می‌کند.

در مقابل، رویکردهای وظیفه‌گرایز اسناد بین‌المللی، بر حق انتخاب فردی بدون الزام به مسئولیت تأکید دارند.

بررسی اندیشه متفکران معاصر اسلامی نشان داد اصل استحکام خانواده، به‌عنوان ستون نظام اخلاق اسلامی، مورد تأکید بوده است. در نگاه این متفکران، فروپاشی خانواده با فروپاشی اخلاق عمومی و انحطاط جامعه برابر است و احیای خانواده، احیای تمدن دینی تلقی می‌شود.

پژوهش حاضر، با ارائه الگویی سه‌لایه (فقهی، حقوقی، فرهنگی)، راهکارهایی عملی برای نهادینه‌سازی اصل استحکام خانواده در حوزه‌های قانون‌گذاری، آموزش و رسانه پیشنهاد کرد. نوآوری این پژوهش در تبیین نظریه‌مند اصل استحکام خانواده، به‌عنوان یک اصل راهبردی در سیاست‌گذاری اجتماعی و نشان‌دادن قابلیت آن برای مقابله با مسائل اخلاق مدرن است.

در پایان، تأکید می‌شود که نهاد خانواده، به‌عنوان نخستین سنگ بنای تمدن اخلاقی در نظام ارزشی اسلام، نیازمند احیای اصل استحکام است. این احیا، گامی بنیادین در بازسازی هویت دینی، حفظ اخلاق اجتماعی و تحکیم فرهنگ اسلامی ایرانی خواهد بود.





فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

امام خمینی (۱۳۶۸)، وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

بک، اولریش و الیزابت بک- گرنهایم (۱۳۸۱)، فردی شدن: فردیت نهاده شده و پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن (مترجم محسن ثلاثی)، تهران: ثالث.

تیلور، چارلز (۱۳۹۴)، سرچشمه‌های خود: هویت مدرن چگونه شکل گرفت؟ (مترجم احمد تدین)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

حکمت‌نیا، مهدی (۱۳۹۹)، حقوق زن و خانواده، تهران: سمت.

دستورالعمل سیاست‌های کلی نظام خانواده (۱۳۹۵)، ابلاغیه مقام معظم رهبری، ۹ شهریور ۱۳۹۵.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۰۱)، تفسیر المیزان، قم: مؤسسه ترجمه و نشر اسلامی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، حقوق خانواده، تهران: میزان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، (تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۷)، قواعد فقه، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.

مرکز آمار ایران، (۱۴۰۱)، گزارش وضعیت ازدواج و طلاق در کشور، تهران: مرکز آمار ایران.

مصطفوی، سید جواد (۱۳۹۴)، بهشت خانواده، تهران: مؤسسه فرهنگی مشعر.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و حسن علیان‌نژاد (۱۳۹۳)، احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، قم:
انتشارات امام علی (علیه السلام).

